

آنچه از جلسات متعدد و مفصل، پس از افتخار ورود به دور دوم مسابقه با داوران گرانقدر و نمایندگان عزیز کارفرما دریافتیم این بود که قرار نیست برخلاف ایده‌ی قبلیمان، تمام یا بخش بزرگی از مسائل ورودی‌ها و سایر بخش‌های بیمارستان مسیح دانشوری را در ایده‌ی سردرب و جلوخان غربی حل کنیم. با مجوز داوران عالیقدر بر آن شدیم تا طرحی نو دراندازیم:

- با فاصله گرفتن از خیابان منتهی به ورودی غربی نفس می‌کشیم؛ از هیاهوی فرم و فضای آشفته‌ی دارآباد امروز و شاه آباد سبز و آرام دیروز...

- به خاطر داریم بخش پیوند مسیح دانشوری، مراجعین مختص به آن و شان و آبروی ملی و فراملی آن در آفرینش ایده جدید پررنگ خواهد بود.

- کالبدهای ورودی در هر دو گزینه به فرآیند کنترل عبور و مرور بال جنوبی و نیز مرکز مانیتورینگ دوربین‌ها و فرماندهی حراست عمومی (بال شمالی) اختصاص یافته است.

- در گزینه‌ای که سروستان نام گرفت تردد سواره و پیاده جدا اندیشیده شده و فرمها و سازه‌ها با وجود ریخت مدرن شان روح و ریتم معماری ایرانی را وامدارند و گویی شمایی از باغ پردرخت و سرسبز شاه آباد دوران قاجار را به رخ می‌کشند. المان‌های ورودی برداشتی انتزاعی از درخت سرو به عنوان عنصری کلیدی در معماری ایرانی می‌باشند.

- در گزینه‌ای که پیوند نام گرفت دروازه‌های چیده شده بر هندسه‌ی خوانا و ساده‌ی ایرانی در پلان چلیپای فیروزه ای رنگ، چهارگانه‌ای را رقص کنان در آغوش گرفته‌اند ... گویی که کالبدی بی‌جان با پیوند و حضور عضوی حیاتی به جان آمده و شادان پایکوبی می‌کند.

آینما که استعاره از زندگیست محل برخاستن چهارستون راه، شکل چلیپای جان است.

- اساس ایده ما در طراحی این مجموعه، طراحی فضاییست برای تنفس، به دور از اغتشاشات بصری موجود در پهنه شهری تهران و یا مجموعه درمانی مسیح دانشوری. رویکرد ما در حل این مساله، نساختن بود.

جان طرح، صحنیست که با توده‌هایی بتنی خود را به آرامی از شهر جدا میکند و مراجعین را در آغوش میگیرد تا مجالی برای نفس‌گریز از این هیاهو بیابند.

رویکرد ما در طراحی این صحن تاکید بر عناصر طبیعیست تا هر چه بیشتر بر آرامش مراجعین بی‌افزاید. صحن در شمال و جنوب کاملاً شفاف بوده تا با استفاده از چشم‌اندازهای موجود، بر جذابیت‌های بصری سایت مجموعه، تأکیدی مضاعف کرده باشیم.

- در هر دو گزینه‌ی تقدیمی، انتخاب مصالحی نظیر بتن اکسپوز، سرامیک لعابدار پخته و آجر پخته‌ی سرخ هم سهولت و ارزانی در تکنیک اجرا و تهیه‌ی مصالح را فراهم آورده و شاید مهم‌تر از آن نگهداری، که دغدغه‌ای بسیار جدی می‌باشد را بسیار کم هزینه و بی‌دردسر ساخته است.

- نیک می‌دانیم در هیاهوی مدیریت مجموعه‌ای با این حجم از وظایف خطیر برداشتن بار نگهداری از دوش مدیران خدمتی سترگ است.

- پس از گذر از سردرب بدلیل درک کاملاً قابل فهمی که به‌تازگی از محدودیت‌های بودجه و زمان اجرا در مجموعه‌ی کارفرمای محترم یافته‌ایم؛ با کمترین دخالت در توپوگرافی موجود، روح باغ ایرانی و رواق‌های مدارس و مساجد ایران دوران اسلامی را نه با تکرار او و تقلید بلکه با اشارات و رعایت تناسبات و هندسه‌ها و سازماندهی عملکردها زنده ساختیم.

صحن پیوند نفس که در هر دو گزینه‌ی سردرب یکی است، مجالی شده برای آرام شدن از قیل و قال کلان شهر بی‌سر و سامان تهران ...

صدای ترنم آبنمای مرکزی و رواق شرقی آراسته به سایه روشن تیغه‌های بتنی مزین به هندسه‌ی سقف کاخ قجری (محل مداوای مظفرالدین شاه) و دیوار سبزی که ساختمان نه‌چندان خوش‌قواره موجود را پوشانده دست به دست هم‌مژده‌ی ورود به مرکزی فاخر، تاریخی، علمی و نجات‌بخش را می‌دهند.